

خانواده محوری در نظام مالیاتی با تأکید بر نظام حقوق مالیاتی ایران

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۳۱

تاریخ تأیید: ۹۷/۵/۲۶

سید احمد حبیب نژاد

استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران - a.habibnezhad@ut.ac.ir

زهرا عامری

استادیار دانشگاه بجنورد - z.ameri@ub.ac.ir

احمد خسروی

استادیار دانشگاه بیرجند - a.khosravi@birjand.ac.ir

چکیده

با در نظر گرفتن اهمیت خانواده و جایگاه آن در نظام های حقوق مالی و مالیاتی کشورها، این مقاله به بررسی جایگاه خانواده در سیاست گذاری مالیاتی ایران، شناخت نقاط قوت و ضعف قوانین اجراشده، همچنین مشخص کردن سیاست های مهم در این حوزه پرداخته و مروری بر قوانین کشورهای دیگر نیز داشته است. تأکید بر «ایجاد جامعه ای خانواده محور» و «محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه ها و سیاست های اجرایی» در سیاست های کلی نظام در امر خانواده بر اهمیت موضوع می افزاید. بر اساس نتایج حاصله پیشنهاد می شود به خانواده به عنوان مبنای تخصیص مالیات، شخصیت حقوقی مستقل اعطا گردد و نظام مالیاتی ضمن حرکت از پایه مالیاتی فردگرا به خانواده گرا، با تعیین و تخصیص اعتبارات مالیاتی در حوزه های گوناگون، مشوق تشکیل و تحکیم خانواده شود. گسترش معافیت ها و اعطای مشوق های

مالیاتی به خانواده های دارای فرزند می تواند گامی اساسی در همین راستا قلمداد شود. برقراری معافیت ها یا افزایش سقف معافیت مالیاتی برای کسانی که مسئولیت و سرپرستی خانواده ای را بر عهده دارند و با لحاظ مسئولیت آنان در قبال خانواده خویش، از دیگر تدابیر مورد نیاز است.

واژه های کلیدی:

خانواده محوری، مالیات، حمایت از خانواده، اقشار کم درآمد، سیاست گذاری مالیاتی.

مقدمه

خانواده نخستین و مهم ترین نهاد در تاریخ فرهنگ و تمدن انسانی و اولین مدرسه ای است که انسان در آن آموزش می بیند و اصول زندگی اجتماعی را فرا می گیرد؛ به گونه ای که می توان گفت نخستین تأثیرات محیطی که فرد دریافت می کند، از محیط خانواده است و حتی تأثیر پذیری فرد از محیط های دیگر می تواند نشئت گرفته از محیط خانواده باشد؛ بنابراین همان گونه که جامعه شناسان معتقدند رابطه ای بین جرایم ارتكابی در جامعه و حیات خانوادگی وجود دارد، چنان که روابط ناخوشایند والدین، طلاق و متارکه، فوت، مسائل مالی خانواده و مانند آن می تواند مشکلات بسیاری برای افراد به دنبال داشته باشد که خود این مشکلات زمینه ساز بروز و ظهور جرایم در جامعه خواهد بود و متقابلاً جامعه ای که از کانون های خانوادگی سالم، مستحکم، عاطفی و موفق تشکیل می شود، در همه مسائل پیشرفت می کند و موفقیت چشمگیری به دست می آورد.

اسلام نیز برای خانواده منزلت و قداست خاصی قائل شده و در سوره مبارکه نساء، پیوند ازدواج را به «میثاق غلیظ» تعبیر می کند (نساء: ۲۱) و در سوره مبارکه روم، خانواده را کانون مهر و محبت می داند و آن را «فراموشخانه رنج های روزانه» می داند (روم: ۲۱). رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز نهاد خانواده را محبوب ترین و عزیزترین بنا نزد خداوند توصیف کرده است: «ما بُنی فی الاسلام بناء أحبّ الی الله عزّ وجلّ وأعزّ من التزوِج» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۱۵۳). آیات و روایات بسیاری در این زمینه وجود دارد که بررسی آنها خارج از حوصله بحث است.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز - به پیروی از اسلام - این مهم مورد توجه خاصی قرار گرفته است. در قانون اساسی در اصول متعدد (اصول سوم، دهم، بیستم،

بیست و یکم و بیست و هشتم) به گونه‌ای به خانواده اشاره شده و اصل دهم قانون اساسی به صورت اختصاصی به خانواده پرداخته است.^۱ به دلیل اهمیت این نهاد، در برخی از احکام و مواد سیاست‌های کلی نظام،^۲ سند چشم‌انداز بیست‌ساله^۳ و برنامه‌های توسعه،^۴ موضوع خانواده مورد توجه جدی قرار گرفته است و نهادهای دولتی، از جمله قوای سه‌گانه مکلف-اند در انجام وظایف خود، این مهم را مدنظر قرار دهند و برنامه‌ها و عملکردهای خود را برای رسیدن به این اهداف اعمال نمایند. بر اساس اسناد مذکور، دولت به پاسداری از قداست خانواده، استواری و استحکام بخشی خانواده و حمایت از نهاد خانواده ملزم است و قوه مقننه نیز مکلف است تدوین قوانین را به گونه‌ای انجام دهد تا نهاد خانواده مورد حمایت قرار گیرد؛ از این رو در همه قوانین، مقررات، سیاست‌ها و برنامه‌های مربوطه باید به خانواده‌محوری توجه ویژه شود.

سیاست‌های حمایتی خانواده‌محور باید بر مبنای عوامل و شرایط گوناگون و میزان توسعه‌یافتگی جوامع تنظیم شود و یک سیاست خانواده‌محور فراگیر برای ارتقای وضعیت خانواده باید مؤلفه‌های فراوانی از جمله سیاست‌های آموزشی، سیاست‌های بهداشتی، سیاست‌های فرهنگی و از جمله سیاست‌های مالی را در بر گیرد.

یکی از شاخصه‌های سیاست‌های حمایت از خانواده، سیاست‌های مالی و اقتصادی مربوط به خانواده است که شامل مالیات، مسکن، اشتغال برای کودکان، خانواده‌های تک‌سرپرست، خانواده‌های مستمند و سالمندان باشد. راهکارهای بسیاری نیز در جهت حمایت مالی از خانواده می‌توان ترسیم نمود که یکی از این راهکارها مربوط به تنظیم امور مالیاتی در آمد و دارایی خانواده است. در این خصوص مسئله قابل طرح این است که اولاً جایگاه خانواده در سیاست‌های مالی و بالتبع در قوانین و مقررات ملی کجاست و چه

۱. از آنجاکه خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

۲. سیاست‌های کلی خانواده (ابلاغی ۱۳۹۵/۰۶/۱۳).

۳. برخورداری از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.

۴. برای نمونه ر.ک: بخش ۱۴ برنامه ششم توسعه با عنوان «سلامت، بیمه، سلامت و زنان و خانواده».

مناسباتی میان قوانین و مقررات مالیاتی با خانواده وجود دارد و ثانیاً آثار این قوانین بر تشکیل و استدام خانواده چگونه است. با فرض دانستن این مطلب که دولت در دوران معاصر از طریق مستقیم و غیرمستقیم در همه یا بیشتر ساحت‌های زندگی شهروندان دخالت می‌کند و به‌ویژه با وضع قانون و مقررات، خط‌مشی‌های خود را پیگیری می‌کند، می‌توانیم معتقد باشیم که اقدامات و سیاست‌های دولت به شکل مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند باعث گسترش تقاضای افراد برای تشکیل خانواده شود یا برعکس.

۱. پیشینه

اگرچه در زمینه مالیات و تأثیر آن بر اقتصاد به مفهوم کلی در ایران پژوهش‌هایی صورت گرفته و کتاب‌ها و مقاله‌هایی نگاشته شده‌اند؛ اما در خصوص نگاه به خانواده در وضع قوانین مالیاتی و نقش مالیات در تقویت جایگاه این نهاد و اقتصاد خانواده تاکنون کتاب یا مقاله‌ای به نگارش درنیامده است.

نگاه خانواده‌محور به مالیات در آثار پژوهشی محققان کشورهای دیگر مطالعه شده است. یکی از نخستین و جامع‌ترین آثار در این حوزه، گزارشی است که یونیسف با عنوان «حسابداری خانواده: وضعیت ازدواج و کودکان در سیستم‌های مالیات بر درآمد اروپا» منتشر کرده است (O'Donoghue and Sutherland, 1998). همچنین در تحقیقاتی که در شورای پژوهش خانواده در آمریکا صورت گرفته است، سیاست‌های مالیاتی خانواده‌محور با هدف کمک به والدین ارزیابی شده است (Family Research Council, 2017, pp.1-12). به همین ترتیب پژوهش‌های دیگری نیز با همین رویکرد از سوی پژوهشگران گوناگون و با مطالعه سیستم‌های مالیاتی در کشورهای مختلف صورت گرفته که از حوصله بحث خارج است؛ اما چنان‌که در ابتدا نیز ذکر شد، چنین رویکردی در پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه مالیات در ایران تاکنون موضوع بحث نبوده و نمی‌توان به اثری مستقل در این حوزه دست یافت.

۲. جایگاه خانواده در نظام مالی

حقوق مالیاتی که داخل در حقوق مالی قرار می‌گیرد، از زیرشاخه‌های حقوق عمومی است که می‌توان گفت با توجه به ماهیت متفاوت حقوق عمومی از حقوق خصوصی، نوع نگاه به مسئله خانواده‌محوری را نیز متفاوت می‌کند. بر خلاف حقوق خصوصی که ناظر بر روابط خصوصی اشخاص است و مفهوم خانواده‌محوری را به معنای برتری مصالح خانواده بر مصالح اعضای آن

می‌داند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۳)، در حقوق عمومی که یک طرف معادله دولت است، خانواده محوری به معنای تکلیف برای دولت و نهادهای عمومی برای انطباق تمامی فعالیت‌های عمومی، اعم از تقنینی، اجرایی و قضایی با نیازها و مصالح خانواده است. خانواده محوری در این نگاه با استنباط از اصل دهم قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام در امر خانواده و تصویب‌نامه اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آنها (مصوب ۱۳۸۴) و نیز نقشه مهندسی فرهنگی کشور بدین معناست که کلیه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در تمامی سطوح، حق‌مداران و ملهم از نگرش توحیدی و در راستای تعالی و مصالح خانواده باشد و در همه برنامه‌ریزی‌ها و قانون‌گذاری‌ها و در تمامی نظام‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی، حفظ و تعالی خانواده مورد اهتمام باشد. بنابراین در وضع قوانین مالیاتی نیز باید سهم این دسته از قوانین در ابعاد مربوطه در حمایت از خانواده مورد توجه قرار گیرد. حمایت از این ابعاد گوناگون را در نظام‌های مالیاتی می‌توان از طرق متعدد اعطای اعتبارات، معافیت‌ها و کسورات مالیاتی که از آنها به مزایای مالیاتی تعبیر می‌شود، تضمین نمود.

پیش از تشریح انواع امتیازات مالیاتی، ذکر این نکته لازم است که اولاً مالیات یک پدیده خنثی نیست و تأثیر چشمگیری بر متغیرهای اقتصادی و رفتارهای مرتبط با آنها دارد (دادگر، ۱۳۹۳، ص ۱۷۲) و ثانیاً میزان توجه به مسئله خانواده در قوانین مالیاتی در کشورهای گوناگون متفاوت است. هرچند تأمین حداقل‌های حقوق معیشت خانواده از مسائل حقوق بشری^۱ قلمداد می‌شود که دولت‌ها مکلف به تأمین آنها هستند؛ اما فراتر از آن حق‌های رفاهی است که بیشتر جنبه کانتی - رالزی قراردادمحورانه دارند که باعث شده ائتلاف‌های سیاسی گوناگونی در این زمینه شکل بگیرد که در نظام‌های رفاهی مربوط به دولت‌های لیبرال - دموکرات گوناگون نقش داشته‌اند و نوسان فراوانی در شکل و محتوای هر کدام از این نظام‌ها وجود دارد؛ به گونه‌ای که این مزایا بسته به نوع کشورها پررنگ‌تر یا کم‌رنگ‌تر می‌شود؛ مثلاً تأمین مراقبت‌های بهداشتی رایگان برای همه از زمان تولد تا مرگ و آموزش رایگان در سطح دانشگاهی به دانشجویان واجد شرایط، مثال‌هایی از حقوق اجتماعی پررنگ است؛ در حالی که اتکای بیش از حد به بیمه‌های بخش خصوصی و

۱. ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۱۰ و ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

هزینه‌های سنگین دانشگاه‌های آمریکا نمونه کم‌رنگی از حقوق اجتماعی است (کیویستو و فایست، ۱۳۹۵، ۱۰۵-۱۰۳) و به تبع این بحث، سیاست‌های مالیاتی اتخاذ شده در این زمینه نیز در نظام‌های گوناگون متفاوت خواهد بود. همچنین به نظر می‌رسد توجه به مفهوم خانواده در تعریف از عدالت مالیاتی^۱ نیز تأثیر گذاشته است. بر خلاف گذشته که مالیات بیشتر سرانه بود؛ یعنی مالیاتی که هر شخص، بدون توجه به میزان تلاش و سرمایه‌گذاری خود و بدون توجه به میزان درآمدش، پرداخت می‌کرد و در نتیجه هر فردی که تعداد اعضای خانواده وی بیشتر بود، به همان تناسب باید مالیات بیشتری پرداخت می‌کرد، در مالیات‌های امروزی برعکس شده و در جهت حمایت از خانواده، معمولاً از خانواده‌های با جمعیت بیشتر و با همان درآمد نسبت به خانواده‌های کم جمعیت‌تر، مالیات کمتری گرفته می‌شود. همچنین بیشترین مالیات از افرادی گرفته می‌شود که به تنهایی زندگی می‌کنند و تاکنون تشکیل خانواده نداده‌اند. بنابراین امروزه به عنوان مثال در کشور آلمان میزان مالیات فرد تنها به میزان درآمدش بستگی ندارد؛ بلکه موقعیت خانوادگی فرد نیز در نظر گرفته می‌شود یا در آمریکا نیز همچون کشورهای پیشرفته دیگر، برنامه مالیاتی با رویکرد جمعیتی تنظیم شده و نظام مالیات بر درآمد مبتنی بر درآمد خانواده است (Department of the Treasury, 2016, pp.1-7).

با توجه به این مقدمه می‌توان گفت امروزه بر خلاف اقتصاددانان کلاسیک که به بی-طرفی مالیات معتقد بودند، اعتقاد جدی به دخالت مالیاتی وجود دارد. به بیان دیگر امروزه هدف از وضع مالیات، صرفاً تأمین درآمدهای عمومی دولت نیست؛ بلکه اهداف دیگری نیز مدنظر است (رستمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱) که می‌تواند اهدافی سیاسی یا اجتماعی یا حتی فرهنگی باشد. به عبارت دیگر گرچه برخی صرفاً به دخالت در امور اقتصادی قائل‌اند؛ اما باید گفت دولت‌ها در هدف از وضع مالیات، نه تنها تأمین درآمدهای عمومی و دخالت در امور اقتصادی را مدنظر قرار می‌دهند؛ بلکه به ابعاد دیگر زندگی جمعی و فردی در جامعه، از جمله مسئله خانواده نیز توجه می‌کنند.

نکته دیگر آن است که تجربه‌های جهانی نشان‌دهنده اهمیت خانواده در حیطه سیاست‌گذاری مالیاتی است. دلیل آن هم این است که روند روبه‌رشد صنعتی شدن

کشورها به تغییرات جمعیتی خانواده انجامیده که تغییر ساختار خانواده را در پی دارد. البته تمام کشورها یک رویکرد سیاستی مالیاتی واحد را در رویارویی با تغییرات خانواده اتخاذ نکرده‌اند؛ ولی در بسیاری از کشورها تصویب امتیازات مالیاتی در جهت حمایت از خانواده‌ها سیاست مشترک و روبه‌رشدی است. امتیازات مالیاتی نوع خاصی از تعدیل‌ها را که می‌تواند در مسئولیت مالیاتی مؤدی نقش داشته باشد، اجازه می‌دهد. معافیت‌ها، کسور و اعتبارات مالیاتی همگی می‌توانند میزان مالیاتی را که فرد بدهکار است، کاهش دهند یا منتفی کنند. اینکه این امتیازات چه هستند و آیا در نظام مالیاتی ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند یا خیر، نیازمند بررسی در متون و اسناد قانونی است.

۲-۱. اعتبارات مالیاتی

اعتبار مالیاتی یک مشوق مالیاتی است که به برخی مؤدیان مالیاتی اجازه می‌دهد میزان اعتباری را که به آنان تعلق گرفته، از مبلغ کلی که به دولت بدهکارند، کم کنند (Piper, 2014, p.94). به عبارتی اعتبار مالیاتی به مقدار مشخصی اعتبار پولی گفته می‌شود که به فرد اعطا می‌شود و وی فرصت دارد در مدت زمان خاصی، از آن جهت تهاثر با بخشی از مالیات خود استفاده کند. اعتبارات به‌طور کلی نسبت به کسور و معافیت‌های مالیاتی صرفه‌جویی بیشتری را در مالیات انجام می‌دهند؛ چراکه به‌طور مستقیم مالیات متعلقه را می‌کاهند، نه درآمد مشمول مالیات را. در بیشتر موارد، اعتبارات، هزینه‌هایی را پوشش می‌دهند که فرد در طول سال پرداخت کرده و شرایطی دارند که فرد پیش از اینکه آن اعتبارات را ادعا کند، باید به آن شرط‌ها عمل کرده باشد. والد تنها، خانواده‌های دارای فرزند، زوج‌های متأهل و زوج‌های تک‌درآمدی انواع خانواده‌هایی هستند که ممکن است اعتبارات مالیاتی مربوط به خانواده را جذب کند (O'Donohue, 1988, p.27).

۲-۲. معافیت‌های مالیاتی

منظور از معافیت مالیاتی، معافیتی پولی است که درآمد مشمول مالیات را کم می‌کند. معافیت‌های مالیاتی می‌توانند فراغت کامل از مالیات را ایجاد کنند یا مالیات را بر روی تنها بخشی از اقلام کاهش دهند (Fookes, 2009, p.5). معافیت مالیاتی به حذف مالیات یک کالای خاص اشاره دارد. معافیت‌های مالیاتی در اشکال گوناگون بروز می‌کنند؛ اما یک چیز در همه آنها مشترک است: آنها تعهد به پرداخت مالیات را یا کاهش می‌دهند یا به‌طور کامل از بین می‌برند. بیشتر مؤدیان به معافیت‌هایی محق‌اند که میزان مالیاتشان را به

همان شیوه‌ای که کسور مالیاتی عمل می‌کنند، کاهش می‌دهد؛ با این تفاوت که کسور مالیاتی به هزینه‌هایی اشاره می‌کند که بدهی مالیاتی را کاهش می‌دهد؛ اما اقلام مشمول معافیت مالیاتی - بی‌توجه به هر نوع هزینه - از هر محاسبه مالیاتی معاف‌اند.

۲-۳. کسور مالیاتی

کسور مالیاتی ناظر به هزینه‌های مشخصی است که مالیات‌دهندگان متحمل شده‌اند و می‌توانند از درآمد مشمول مالیات خود کم کنند. به عبارتی کسور، کسری از درآمد ناخالص است که مبتنی بر هزینه‌های معینی است که مؤدی متحمل شده و از درآمد ناخالص کم می‌شود تا درآمد مشمول مالیات مشخص شود (Lowry, 2017, p.2) مشاهده کسور مالیاتی در حوزه‌های گوناگون مربوط به خانواده امکان‌پذیر است. معافیت‌ها و کسور به‌طور غیرمستقیم و از طریق کاهش درآمد مشمول مالیات فرد، مالیات را کاهش می‌دهند (center on budget and policy priorities, 2018, p.1).

بررسی این سه دسته (اعتبارات، معافیت‌ها و کسور مالیاتی) تحت عنوان امتیازات فراگیر مالیاتی، برای ارتقای وضعیت خانواده، مؤلفه‌های بسیاری از جمله باروری، آموزش، بهداشت، اشتغال، سیاست مسکن و... را در بر می‌گیرد که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۲-۳-۱. مالیات و حق اولاد

یکی از مهم‌ترین مسائلی که می‌تواند به امر تشکیل خانواده و فرزندآوری کمک کند، حمایت‌های مالی دولت از خانواده‌ها و فرزندان آنان به‌ویژه در رابطه با فرزندآوری است. باروری در کشورها نسبت مستقیمی با سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها در رابطه با سیاست‌های مالیاتی خانواده دارد. به همین مناسبت دولت‌ها برای رسیدن به این هدف کمک‌هایی را در قالب‌های متعدد از جمله تخصیص اعتبارات مالیاتی، کمک‌های مالی مستقیم در قالب مزایای حقوق ماهانه، معافیت‌های مالیاتی و مانند آن ارائه می‌کنند.

در انگلستان اعتبار مالیاتی فرزند به فاکتورهایی همچون سطح درآمد خانواده، شمار فرزندان و وضعیت آموزشی فرزندان زیر شانزده سال ارتباط دارد (HMRC Digital Services, 2017, p.5). در آمریکا هر سال بر حسب میزان درآمد تا مبلغ معینی می‌توان برای هر فرزند زیر هفده سال طلب اعتبار کرد. همچنین برای کمک به خانواده‌هایی که می‌خواهند کودکی را به فرزندی بپذیرند، اعتبار مصوب دولت فدرال می‌تواند میزان مالیات فرد را بر اساس هزینه‌هایی که برای سرپرستی فرزند ضروری است، کاهش دهد.

در بسیاری از کشورهای اروپایی، کمک‌هزینه فرزندان مبلغی غیرمشمول مالیات است و میزان بهره‌مندی از آن به درآمد خانواده و شمار فرزندان بستگی دارد. پرداخت این مبالغ، بیشتر در قالب کمک‌هزینه بارداری، حق اولاد و هزینه‌های مراقبت و نگهداری از افراد مرتبط به خانواده مانند کودکان خردسال، والدین بازنشسته و فرزندان معلول صورت می‌گیرد.

در کانادا حق اولاد به خانواده‌هایی که فرزند کمتر از هجده سال داشته باشند، پرداخت می‌شود که هم به پر کردن شکاف بین والدین کم‌درآمد با والدین با درآمد متوسط کمک می‌کند و هم با شناسایی حق والدین، به عنوان روشی به کار می‌رود که به جامعه نشان دهد والدین هزینه‌هایی را متحمل می‌شوند که افراد بدون فرزند با همان سطح درآمد، آن هزینه‌ها را ندارند (Milligan and Stabile, 2009, p.73). در فرانسه کمک‌هزینه به خانواده‌هایی که حداقل دو فرزند دارند، تعلق می‌گیرد و این نوع حمایت‌ها تا شانزده‌سالگی فرزندان استمرار دارد. در این کشور، فرزندان تا شانزده‌سالگی باید به صورت اجباری و قانونی تحصیل کنند. این کمک‌هزینه‌ها به فرزندان شانزده تا بیست‌ساله‌ای که تحصیل خود را در مدرسه، دانشگاه یا دوره‌های آموزشی ادامه می‌دهند نیز تعلق می‌گیرد. کمک‌هزینه‌های فرزند در این کشور به صورت سالانه مشخص می‌شود و با افزایش شمار فرزندان خانواده، این کمک‌هزینه‌ها نیز افزایش می‌یابد (the united nation expert group meeting, 2015, p.2).

حق اولاد در فنلاند تا پایان هجده‌سالگی فرزند پرداخت می‌شود. مقدار حق اولاد بابت نخستین فرزند، کمتر و بابت فرزندان بعدی، بیشتر است (Bovenberg & Cnossen, 2001, pp.471-472). در استرالیا مزایای مالیاتی نوع A^۱ نوعی پرداخت است که با هدف کمک به خانواده‌ها در امر بزرگ کردن فرزندانشان پرداخت می‌شود. به بیان دیگر، این مزایا در واقع یک نوع کمک‌هزینه به ازای هر فرزند است که بر مبنای درآمد خانواده پرداخت می‌شود. مزایای مالیاتی نوع B^۲ هم به این پرداخت مرتبط می‌شود. این نوع پرداخت در درجه نخست برای خانواده‌هایی که تنها دارای یک پدر یا یک مادر است یا خانواده‌هایی که دارای هر دوی والدین است؛ اما یکی از آنها کم‌درآمد است یا شاغل نیست، در نظر

1 . Family tax benefit part A
2 . family tax benefit part B

گرفته می‌شود. به زبان دیگر، این درواقع تفاوت بین این دو نوع پرداخت است که البته در بسیاری موارد، خانواده ممکن است هر دوی این کمک‌هزینه‌ها را دریافت کند. در پایان هر سال مالی، خانواده‌ها باید یا عملیات مربوط، تسویه حساب‌های مالیاتی خود را انجام دهند یا آنکه بگویند نیازی به انجام مراحل تسویه حساب مالیاتی ندارند. بدین ترتیب اداره امور مالیات محاسبه می‌کند که این مزایا به چه تعداد خانواده به ازای واجد شرایط بودنشان بر مبنای درآمد مشمول پرداخت مالیاتشان پرداخت شده است. اگر آنها پول بیشتری را دریافت کرده باشند، بدهیشان را تنظیم می‌کند و اگر آنها کمک‌هزینه لازم را دریافت نکرده باشند، می‌تواند میزان این پرداختی را افزایش دهد (Department of Social Services and the Department of Agriculture, 2015, pp.2-6).

در کشورهای عضو گروه بیست،^۱ تأهل و داشتن فرزند نرخ مالیات را به‌طور متوسط ۵/۵ درصد کاهش می‌دهد. در هلند در شرایط خاص، هزینه‌هایی که برای مراقبت از فرزندان زیر سی سال می‌شود، جزو کسور مالیاتی‌اند. در نروژ نیز هزینه‌های فرزندان تا سقف معینی - بر حسب اینکه فرد، فرزند اول یا به بعد باشد - جزو کسور مالیاتی به شمار می‌رود (Bradshaw & Finch, 2002, p.176). پس از تولد نیز - به منظور ایجاد تعادل میان مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی - مزایای عمومی مراقبت از کودکان وجود دارد که برای خانواده‌هایی است که فرزند خردسال نیازمند مراقبت و نگهداری دارند. هزینه‌های مراقبت از کودکان در بخشی از کشورها جزو اعتبارات است و در برخی دیگر از شمار کسورات مالیاتی محسوب می‌شود؛ چنان‌که در آمریکا اگر مؤدی مجبور به تأمین هزینه مراقبت از کودکان زیر سیزده سال خود است تا بتواند به کارش ادامه دهد، می‌تواند تا بخشی از هزینه‌های مراقبت طلب اعتبار کند (Maag, 2010, p.768). بلژیک درصد زیادی از هزینه‌های مراقبت از کودک را قابل کسر می‌داند. در فرانسه برای کودکان زیر چهار سال تخفیف مالیاتی مراقبت از کودک به صورت روزانه وجود دارد و برای کودکان زیر هفت سال تا ۲۵ درصد هزینه مراقبت از کودکان مشمول کسر مالیاتی است. در آلمان والدین می‌توانند ادعای کسر مالیات را برای پوشش هزینه‌های مراقبت از کودکان داشته باشند. تا ۴۰ درصد هزینه‌های مراقبت از کودکان در یونان قابل کسر

۱. گروه بیست (G-20) متشکل از نوزده کشور و اتحادیه اروپاست که در سال ۱۹۹۹ میلادی با هدف تشکیل جلسات مشترک میان برخی کشورهای صنعتی و اقتصادهای در حال توسعه تأسیس شد.

مالیاتی است (Kammerman, 2000, p.14).

افزون بر اینها برخی کشورها با استفاده از درآمدهای حاصل از مالیات از محل‌های دیگر کمک‌هزینه‌های گفته‌شده را تأمین می‌کنند؛ چنان‌که مغولستان برنامه کمک‌هزینه‌های اولاد خود را از محل انباشت مالیات منابع معدنی در صندوق توسعه انسانی تأمین می‌نماید (سازمان بین‌المللی کار، ۱۳۹۴، ص ۵۳).

در ایران اعتبار و کمک‌هزینه مالیاتی در قوانین برای خانواده‌ها پیش‌بینی نشده است. افزون بر این حتی در شمول تسری معافیت مالیاتی به جوهری که به مناسبت وضعیت خانوادگی فرد پرداخت می‌شود، در خصوص مشمولان قانون کار کوتاهی صورت گرفته است. چنان‌که به موجب رأی شماره ۳۰/۴/۳۰۴۴ مورخ ۱۳۷۱/۰۴/۲۴ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی، کمک‌هزینه‌های عائله‌مندی و اولاد مقرر در ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت به عنوان درآمد مشمول مالیات حقوق نیست. همچنین در مورد کمک‌هزینه مهدکودک که در ایران، هم در ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و هم در ضوابط اجرایی بودجه در سال‌های مختلف پیش‌بینی شده است، دیوان عدالت اداری به موجب رأی شماره ۳۳۵ هیئت عمومی، بخشنامه سازمان امور مالیاتی به شماره ۳۳۵۵۳ مورخ ۸۷/۴/۱۲ مبنی بر شمول مالیات حقوق نسبت به وجوه پرداختی بابت کمک‌هزینه‌های مهدکودک و... را باطل نموده است. بر اساس این رأی (نظر به اینکه مصادیق حقوق و مزایای مشمول کسر مالیات، موضوع ماده ۸۲ قانون مالیات‌های مستقیم در ماده ۸۳ همان قانون به عنوان مزایای مربوط به شغل احصا شده است و خدمات و تسهیلات رفاهی که در ماده ۴۰ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱۳۸۰/۱۱/۲۷)، مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵ مجوز پرداخت دارد، مزایای مربوط به شاغل بوده و داخل در عناوین حقوق و مزایای مذکور در ماده ۸۳ قانون مالیات‌های مستقیم نیست؛ بنابراین وجوه پرداختی به کارکنان دولت، تحت عناوین مهدکودک و... به عنوان مصادیق ماده ۴۰ قانون مارالذکر، موضوعاً از شمول احکام مواد ۸۲ و ۸۳ قانون مالیات‌های

۱. ماده ۴۰ - اجازه داده می‌شود اعتبارات برنامه خدمات رفاهی کارکنان دولت، منظور در قوانین بودجه سنواتی برای ارائه تسهیلات رفاهی و تشویق کارکنان و کمک‌هزینه مسکن به صورت نقدی یا صور دیگر بر اساس موافقت‌نامه‌ای که با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و یا استان مبادله خواهد شد، استفاده شود.

مستقیم^۱ خارج است (https://divan-edalat.ir/print.php?page=ahoshow&id=9104). این در حالی است که وجوهی که تحت عنوان کمک‌هزینهٔ عائله‌مندی و حق اولاد به موجب مواد ۸۶ و ۸۷ قانون تأمین اجتماعی به مشمولان قانون کار پرداخت می‌شود، به استناد رأی شماره ۳۰/۴/۱۷۹۵، مورخ ۱۳۷۲/۰۲/۰۶ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی، از معافیت مالیاتی برخوردار نیست و مشمول پرداخت مالیات حقوق خواهد بود. تمایز بین کارکنان دولت و مشمولان قانون کار در خصوص بهره‌مندی از این معافیت، غیرموجه و محل ایراد است. از آنجا که مبنای تعلق این کمک‌هزینه تأهل و فرزند داشتن فرد است و در شرایطی که در کشورهای دیگر این کمک‌هزینه‌ها مبلغی غیرمشمول مالیات است، تصریح به شمول کمک‌هزینه‌های فوق در درآمد مشمول مالیات در خصوص مشمولان قانون کار، مانعی جدی در مسیر خانواده‌محوری است.

لازم است قانون‌گذار با هدف قرار دادن تشویق به تشکیل خانواده، به تسری این ممنوعیت به کارکنان مشمول قانون کار نیز اقدام کند. افزون بر این تدبیری بینیشد تا درآمد حاصل از حقوق و دستمزد متناسب با تغییرات در بعد خانوار مشمول تخفیف یا کسر مالیات شود. موضوعی که البته تا حدودی در طرح جدیدی که برای افزایش جمعیت در مجلس شورای اسلامی نگاشته شده،^۲ مورد توجه قرار گرفته و دولت مکلف به تخفیف‌های مالیاتی برای شاغلانی دارای بیش از سه فرزند شده است (http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/1017057) (ماده ۲۶).

۲-۳-۲. مالیات و خدمات آموزشی فرزندان

حق بر آموزش یکی از بنیادی‌ترین حق‌های بشری قلمداد می‌شود که بر خلاف گذشته که فرد به تنهایی در خانواده می‌توانست از این حق بهره‌مند شود، امروزه - به دلیل پیچیده‌تر

۱. ماده ۸۲ - درآمدی که شخص حقیقی در خدمت شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) در قبال تسلیم نیروی کار خود بابت اشتغال در ایران بر حسب مدت یا کار انجام یافته به طور نقد یا غیرنقد تحصیل می‌کند، مشمول مالیات بر درآمد حقوق است.

ماده ۸۳ - درآمد مشمول مالیات حقوق عبارت است از حقوق (مقرری یا مزد، یا حقوق اصلی) و مزایای مربوط به شغل اعم از مستمر و یا غیرمستمر قبل از وضع کسور و پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون.

۲. طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، تاریخ اعلام وصول: ۱۳۹۶/۲/۱۹ دوره دهم.

شدن امور و مسائل - دیگر امکان بهره‌مندی از آموزش به‌تنهایی و بدون کمک دولت وجود ندارد. تضمین حق بر آموزش فرزندان در قوانین مالیاتی کشورها به روش‌های فراوانی است که یکی از این روش‌ها، اعطای اعتبار مالیاتی به فرزندان خانواده‌هایی است که در حال تحصیل‌اند و در برخی کشورها - بسته به میزان درآمد خانواده - این اعتبار متغیر است. حتی در برخی کشورها بدون توجه به درآمد خانواده در جهت تضمین آموزش فرزندان، اعتباری پیش‌بینی شده و روش دیگر، معافیت یا کسور مالیاتی دارایی‌هایی است که در جهت تحصیل فرزندان پس‌انداز شده است.

روش اول را می‌توان در فرانسه، انگلستان و آمریکا مشاهده کرد. در فرانسه برای والدینی که فرزندی در مقطع تحصیلات متوسطه یا عالی دارند، اعتبارات مالیاتی در دسترس است. در انگلستان این اعتبار برای فرزندان بین شانزده تا نوزده‌ساله که در حال آموزش تمام‌وقت‌اند، در دسترس است (Pope & Waters, 2016, p.46).

در آمریکا دو اعتبار منحصر به فرد برای هزینه‌های تحصیل و هزینه‌های دیگر مربوط به آن وجود دارد. اعتبار مالیاتی فرصت آموزشی که برای دوره‌های کالج در دسترس است و شهریه و هزینه ثبت‌نام و هزینه کتاب‌ها و تجهیزات آموزشی را پوشش می‌دهد و فرد به تعداد فرزندان در حال تحصیلش می‌تواند اعتبارات چندگانه را - بر اساس هزینه‌های هر کدام از آنها - درخواست کند. همچنین اعتبار یادگیری مادام‌العمر که می‌تواند هزینه‌های دوره کارشناسی را برای افرادی که شرایط استفاده از اعتبار آموزشی فرصت را ندارند یا قبلاً از این اعتبار استفاده کرده‌اند، پوشش دهد. افزون بر این، اعتبار یادگیری مادام‌العمر نیز می‌تواند هزینه‌های فارغ‌التحصیلی و دوره‌هایی را که برای حفظ یا بهبود مهارت‌های شغلی موردنیاز است، شامل شود (Department of the Treasury, 2016, pp.1-20).

در روش دوم هزینه‌های آموزشی فرزندان معاف از مالیات است. کانادا برنامه پس‌انداز تحصیلی ثبت‌شده فرزندان (Canada Education Saving Grant) را دارد که برنامه‌ای برای والدین، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و افراد دیگر برای تأمین مالی تحصیلات دانشگاهی یک کودک است. کارکرد این حساب بدین گونه است که بازکننده حساب می‌تواند مبالغی را به صورت ادواری (هفتگی، ماهانه، سالانه یا غیرمنتظم) برای ذی‌نفع یا ذی‌نفع‌های زیر هجده سال واریز کند؛ دولت نیز مبلغی را به این حساب می‌افزاید. هرگونه منافع حاصله از سرمایه‌گذاری این وجوه مشمول مالیات نخواهد شد تا زمان برداشت توسط ذی‌نفع. در

هنگام برداشت از حساب توسط ذی نفع (در زمان دانشجویی)، مبالغ برداشتی با نرخ مالیات دانشجو که کمترین نرخ خواهد بود، مشمول مالیات می شود. بخشی از وجوه که صاحب حساب واریز کرده است (اصل پرداختی)، مشمول مالیات نخواهد شد. ذی نفع می تواند از این حساب برای مخارج تحصیل دانشگاهی از جمله کتاب، شهریه و مخارج مرتبط دیگر استفاده کند (Looker & et.al, 2001, p.25-27). در آمریکا نیز حساب ذخیره تحصیلی (Education Savings Accounts) برای فرزندان زیر هجده سال وجود دارد. این حساب مالیات پذیر نیست و زمانی که فرد آن را برداشت می کند تا صرف هزینه های دانشگاه نماید، از مالیات معاف خواهد بود. از این پول می توان برای پرداخت هزینه های تحصیلی دوران ابتدایی و دبیرستان نیز استفاده کرد (Friedline, 2014, p.73).

شماری از کشورها برخی هزینه های مربوط به آموزش فرزندان را مشمول کسور مالیاتی کرده اند؛ از جمله در یونان اجاره ای که توسط بچه هایی که دور از خانه آموزش می بینند، پرداخت می شود و در ایتالیا و پرتغال، بخشی از شهریه کودکان در مدارس دولتی و دانشگاه ها مشمول کسور مالیاتی می شوند (O'Donoghue & Sutherland, 1998, pp.17-18).

در ایران در هیچ یک از قوانین مالیاتی به صراحت اعتبارات، معافیت ها یا کسور مالیاتی برای خانواده ها به خاطر تحصیل فرزندان برقرار نشده است؛ ولی دولت برای توسعه خدمات آموزشی - بی آنکه لزوماً در صدد رفع نگرانی خانوادها در خصوص هزینه های آموزشی فرزندان باشد - مقرراتی وضع کرده است که از آن جمله می توان به اختصاص منابع مالی هنگفتی که از مالیات به دست آمده، در بودجه سالانه برای تهیه و تدوین منابع و کتب آموزشی، تربیت و استخدام نیروهای متخصص، ساخت و تجهیز مدارس و... اشاره نمود. همچنین وضع معافیت ها^۱ و مشوق های مالیات بر درآمد بخش هایی که به امر آموزش کمک می کنند، اقدامی در راستای توسعه خدمات آموزشی است که می تواند به شکلی غیرمستقیم در ارائه خدمات آموزشی بهینه به خانواده ها مؤثر واقع شود. پیشنهاد می شود دولت بسته های اعتبار یا تخفیف مالیاتی در خصوص آموزش فرزندان بر حسب دوره آموزشی و حتی نوع مدارس و اماکن آموزشی در نظر بگیرد یا هزینه هایی را که مصروف آموزش فرزندان شده، از شمول درآمد مشمول مالیات کسر نماید. میزان اعتبار یا تخفیف بسته مذکور متناسب با شهریه و هزینه

۱. مواد ۱۳۴ و ۱۳۹ قانون مالیات های مستقیم.

ثبت‌نام و هزینه کتاب‌ها و تجهیزات آموزشی بدون مبلغ تعیین شود و مادامی که فرد در حال تحصیل است، امکان استفاده از این امتیاز را داشته باشد.

۲-۳-۳. مالیات و خدمات بهداشتی

در مقدمه اساس‌نامه سازمان بهداشت جهانی، حق هر انسان برای دسترسی به بالاترین سطح ممکن سلامتی به رسمیت شناخته شده است و همچنین در ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به عنوان یک حق بنیادین بشری مورد توجه قرار گرفته^۱ و دولت‌ها را به تأمین آن مکلف نموده است. اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل ۲۹ بر حق بر خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی برای همگان اشاره دارد.^۲ حق بر بهداشت دربرگیرنده شرایطی است که دولت‌ها برای تأمین امکان یک زندگی سالم، به فراهم کردن آن متعهدند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۸۴-۱۸۵). خانواده مهم‌ترین بستر اعمال و اجرای حق بر بهداشت است و دولت‌ها برنامه‌هایی در حوزه نظام مالیاتی برای بهتر شدن خدمات بهداشتی پیش‌بینی کرده‌اند.

در باب امور بهداشتی نیز راه‌حل‌های بسیاری در کشورها پیش‌بینی شده است؛ از جمله پذیرش هزینه‌های درمان فرد و اعضای خانواده وی به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی. همچنین معافیت هزینه‌های پزشکی از مالیات یا مشمول کسور قرار دادن آن هزینه‌ها راهکار دیگری است.

۱. ماده ۱۲-۱. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن‌الحصول به رسمیت می‌شناسند.

۲. تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد، شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود: الف) تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان، مرگ‌ومیر کودکان و رشد سالم آنان. ب) بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات. ج) پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه‌گیر، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها همچنین پیکار علیه این بیماری‌ها. د) ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری.

۲. اصل ۲۹: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی - درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

در برخی کشورها مانند آمریکا می‌توان هزینه‌های پزشکی درمان همسر را حتی اگر پیش از ازدواج صورت گرفته است، جزو کسور منظور کرد؛ به شرط اینکه آن هزینه‌ها پس از ازدواج پرداخت شود (McGuffey & et al, 2012, p.10).

در هند بازپرداخت‌های پزشکی وجود دارند که شامل مبالغی می‌شوند که کارفرمایان به کارکنانشان می‌دهند. وقتی این کارمندان صورت حساب‌های پزشکی خود و خانواده‌شان را به کارفرما ارائه می‌دهند، این مبلغ معاف از مالیات است (Bhawan, 2013, p.46). در کانادا اعتبار مالیاتی هزینه‌های پزشکی فدرال به فرد کمک می‌کند هزینه‌های پزشکی را که برای خود، همسر، والدین و فرزندان زیر هجده سالش پرداخته است، تقاضا نماید (MD Management Ltd, 2016, p.4)

در ایران نیز برابر ماده ۱۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم، هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت درمان خود یا همسر، فرزندان، پدر، مادر، برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال مالیاتی - بنا بر شروطی - از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر خواهد شد. در مورد معلولان و بیماران خاص و صعب‌العلاج افزون بر هزینه‌های یادشده، هزینه مراقبت و توان بخشی آنان نیز قابل کسر از درآمد مشمول مالیات معلول یا بیمار یا شخص عهده‌دار تکفل اوست. گفتنی است صرفاً هزینه‌های درمان و مراقبت از معلولان و بیماران صعب‌العلاج شامل کسور مالیات بر درآمدهای خود یا شخصی است که تکفل او را عهده‌دار است و درآمد افراد معلول یا سرپرست معلول، صرفاً به دلیل معلولیت از معافیت یا کسور مالیاتی برخوردار نیست.

روش یادشده گرچه به صورت مستقیم درآمد مشمول مالیات فرد را از معافیت برخوردار می‌کند؛ اما می‌توان از راه‌های دیگری نیز از قوانین مالیاتی به منظور تقویت جایگاه خانواده استفاده کرد؛ چنان که دولت می‌تواند با افزایش نرخ مالیات بر کالاهای زیان‌آور مانند سیگار و نوشابه‌های گازدار، درآمد حاصل از مالیات آنها را مصروف تأمین خدمات بهداشتی در عرصه خانواده، از جمله تأمین هزینه‌های چک‌آپ سالانه اعضای خانواده یا تأمین هزینه‌های خدمات بهداشتی مادران باردار کند. در سال‌های اخیر اجرای طرح تحول نظام سلامت با تخصیص یک درصد مالیات بر ارزش افزوده به حوزه سلامت می‌تواند از اقدامات مثبتی به شمار رود که نقش مهمی در کاهش فشار بخش سلامت بر روی اقشار مردم و توسعه مراکز و امکانات درمانی دارد.

۲-۳-۴. مالیات و مسکن

حق مسکن مناسب بدین معناست که هر انسان - اعم از زن، مرد، کودک و نوجوان - حق دارد از خانه‌ای مناسب برخوردار باشد تا در آن با آرامش و شرافتمندانه زندگی کند و هر کس حق دارد حق مسکن مناسب داشته باشد. این حق که در اصل ۳۱ قانون اساسی ما نیز به رسمیت شناخته شده است،^۱ با تشکیل خانواده و فرزندآوری و پرورش فرزند ارتباط مستقیم دارد.

البته باید توجه داشت که بخش مسکن دارای ماهیتی دوگانه است: از یک سو به عنوان یک نیاز ضروری مطرح است و از سوی دیگر ابزاری برای سرمایه‌گذاری و سوداگری به شمار می‌آید. طبیعی است که دریافت مالیات از مسکن به عنوان سرپناه باید با وسواس و احتیاط صورت پذیرد؛ ولی در مورد مسکن‌هایی که با نیت سرمایه‌گذاری و سوداگری، خریداری و نگهداری می‌شوند، می‌توان و باید مالیات گرفت؛ چرا که این سوداگران بخش مسکن هستند که در کنار تورم عمومی کشور، باعث لجام‌گسیختگی قیمت‌های این بازار می‌شوند و اگر انگیزه سوداگری از این بازار حذف شود، خانوارهای نیازمند می‌توانند مالک واحد مسکونی شوند. در اسکاتلند، انگلستان، آمریکا، فرانسه و دیگر کشورها با هدف کنترل سوداگری، خانه‌های دوم افراد مشمول پرداخت مالیاتی تحت عنوان مالیات بر خانه‌های دوم و بیشتر می‌شود. این مالیات به صورت درصدی از افزایش ارزش معاملاتی زمین یا مسکن در هنگام نقل و انتقال سند، از فروشنده دریافت می‌شود (دفتر تحقیقات و سیاست‌های مالی، ۱۳۹۶، ص ۸-۱۰).

در ایران نیز قانون‌گذار در اصلاحیه ماده ۵۴ قانون مالیات‌های مستقیم، واحدهای مسکونی واقع در شهرهای با جمعیت بیش از یکصد هزار نفر که به عنوان واحدهای خالی شناسایی می‌شوند را از سال دوم به بعد مشمول مالیات معادل مالیات بر اجاره نموده است. این نوع پایه مالیاتی افزون بر ایجاد یک منبع درآمد پایدار برای دولت و شهرداری‌ها، جنبه تنظیم‌کنندگی دارد و می‌توان با مقررات‌گذاری بهینه درآمد حاصل از مالیات بر این‌گونه خانه‌ها را در راستای تأمین مسکن برای خانواده‌های کم‌درآمد و اقشار آسیب‌پذیر و

۱. اصل ۳۱: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به‌خصوص روستائینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

زوج‌های فاقد مسکن مورد استفاده قرار داد. بدین منظور لازم است ابهامات پیش‌روی اجرایی کردن این مقرر از جمله نبود تعریف معین از خانه‌های خالی و نحوه شناسایی این خانه‌ها برطرف شود.

معافیت مسکن اصلی و مصرفی افراد از مالیات از سیاست‌های مالیاتی است که می‌تواند نگرانی در مورد هزینه مسکن را کاهش دهد. در آمریکا شهروندان برای خانه اول معاف از مالیات هستند؛ ولی سقف این معافیت برای خانه فرد مجرد کمتر از فرد متأهل است (Keightley, 2017, p.4). در انگلستان نیز معافیت‌های مالیاتی تعیین شده که از جمله آنها معافیت فردی است که مالک باشد و در ملک خود سکونت داشته باشد و در زمان مالکیت، ملک خود را برای اهداف دیگری به‌جز کاربری مسکونی مورد استفاده قرار نداده باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۱). در اسپانیا، ایرلند، آلمان، کانادا و دانمارک نیز مسکن اصلی افراد از مالیات معاف است (همان، ص ۱۱-۱۴). در ایران نیز ماده ۷۷ قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب ۹۴) و آیین‌نامه اجرایی آن بین سازندگان مصرفی مسکن و تولیدکننده ساختمانی تمایز قائل شده و سازنده مصرفی را از مالیات معاف کرده است.

در بسیاری از کشورها از جمله در یونان، ژاپن، نروژ و انگلستان پرداخت کمک هزینه مسکن که مبلغی معاف از مالیات است، سهم چشمگیری در کاهش هزینه‌های مسکن دارد. در برخی کشورها مزایای مسکن بیش از متوسط درآمد زوج نیست و در بعضی کشورها مانند دانمارک، ایرلند و ژاپن این کمک هزینه یک مقدار استاندارد بدون توجه به درآمد است (Bradshaw And Finch, 2002, p.70).

در ایران درآمد املاکی که در اختیار اعضای خانواده است، از مالیات معاف است؛ چنان‌که برابر تبصره ۱ ماده ۵۳ قانون مالیات‌های مستقیم، محل سکونت پدر یا مادر یا همسر و یا فرزند و اجداد و همچنین محل سکونت افراد تحت تکفل مالک اجاری تلقی نمی‌شود و از دایره شمول مالیات بر درآمد املاک مستثنا خواهد بود. همچنین قانون‌گذار در ماده ۱۳۹ قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه مقرر نموده بود: اقساط ماهانه تسهیلات اعتباری مسکن از بانک‌ها از درآمد مشمول مالیات دریافت‌کنندگان تسهیلات کسر و مانده درآمد مکتسبه در شمول محاسبات مالیاتی قرار می‌گیرد. استفاده از این معافیت مالیاتی فقط برای یک بار برای هر خانواده و یا افراد متأهل مجاز بوده و شامل واحدهای

با مساحت مفید حداکثر ۱۲۰ مترمربع خواهد بود.

ایراد وارد بر این مقررہ آن است که سطح آستانهٔ معافیت بر اساس معیار فیزیکی (طبق متر مربع مسکن) است؛ حال آنکه در اغلب کشورها سطح این معافیت بر اساس معیارهای ارزشی معین می‌شود.

در برخی کشورها دخالت مالیاتی دولت به صورت غیرمستقیم تأثیر مهمی بر تأمین مسکن خانوار داشته است؛ چنان که در آمریکا در ابتدای دههٔ هشتاد، حداقل سه میلیارد دلار از طریق مالیات بر اموال منقول، مالیات کازینوها، مالیات دادگاه‌های مربوط به دعاوی مسکن، مالیات قراردادهای مالی و... به بخش مسکن از جمله از طریق یارانه‌ها اختصاص یافت (فکوهی، ۱۳۸۳، ص ۵۳۶). خلأ مقرراتی از این دست در نظام حقوقی ایران مشهود است و باید رفع شود. مالیات بر خرید املاک گران‌قیمت می‌تواند از جمله همین سیاست‌های اتخاذی باشد. با توجه به اینکه واحدهای مسکونی گران‌قیمت تنها با هدف سرپناه خریداری نشده‌اند و ارزش دارای آنها نقش غالب در خرید آن است، بنابراین می‌تواند منبع دریافت مالیات باشد (قلی‌زاده و امیری، ۱۳۹۲، ص ۹۸).

۳-۲. مالیات و حمایت از معلولان و سالمندان در خانواده

بسیاری از انسان‌ها هستند که وضعیتی ویژه دارند و جز در سایهٔ حمایت‌های خاص به سود ایشان، به حقوق واقعی خویش نخواهند رسید. گروه‌های آسیب‌پذیر از این جمله‌اند. این افراد بیشتر شامل سالمندان و معلولان هستند. این دسته از افراد نه تنها خود، بلکه برای اعضای خانواده نیز مشکلات مالی و روحی بسیاری به دنبال دارند و لازم است افزون بر حقوق مقرر برای افراد دیگر، دارای حقوق خاص خود نیز باشند تا فرصت برابر بهره‌مندی از امکانات و منابع به منظور رشد و تکامل برای همهٔ آحاد انسانی فراهم شود (نباتی، ۱۳۸۹، ص ۷۹).

به خاطر محدودیت‌های جسمی معلولان لازم است هم مردم و هم دولت در تمامی جنبه‌ها، اعم از مادی و معنوی به آنان توجه داشته باشند. یکی از ابعاد حمایتی از این گروه، حمایت اقتصادی از طریق ابزار مالیات است که می‌تواند در قالب‌های متعدد اعم از پرداخت کمک‌هزینه به فرد معلول یا خانوادهٔ وی و یا افرادی که تکفل آنان را بر عهده دارند، معافیت مالیاتی برای خانواده‌های دارای معلول یا معافیت مالیاتی درآمد خود معلول، اختصاص بخشی از درآمدهای مالیاتی به تأسیس نهادهایی حمایتی از معلولان، معافیت

مالیاتی نهادهای حمایتی از معلولان که خود نوعی دخالت مالیاتی برای تشویق تأسیس این دسته از نهادها به شمار می‌رود، هزینه‌های نگهداری از معلولان به عنوان هزینه‌های فوق-العاده و مانند آن باشد.

کمک هزینه‌های پرداختی به خانواده‌های دارای یک عضو معلول، حمایتی خانواده‌محور است؛ چنان که در کانادا مزایای معلولیت فرزندان مبلغی معاف از مالیات است و به صورت ماهانه به خانواده‌هایی که مراقب یک فرزند زیر هجده سال با معلولیت جسمی یا ذهنی هستند، پرداخت می‌شود (Pelletier & Pépin, 2016, p.37). در ژاپن همسر یا فرزند تحت تکفل دارای معلولیت از پرداخت مالیات معاف است (Toroko, 2000, p.92). در آلمان هزینه‌هایی که شخص بابت مسئولیت‌های فوق‌العاده متحمل می‌شود، مانند هزینه مراقبت از عضو معلول خانواده، مشمول تخفیف مالیاتی است. همین وضعیت در آمریکا، اسپانیا، مالزی، کره جنوبی و سنگاپور نیز وجود دارد (مهرگان و اسماعیلی، ۱۳۹۵، ص ۵۳-۵۴).

برخی از کشورها نیز با هدف تأمین مراقبت نهادی در خانه از سالمندان، طرح‌های خاص ارائه‌دهنده مزایای مراقبت بلندمدت را اجرا کرده‌اند. بیشتر این طرح‌ها در کشورهایی چون دانمارک، نروژ و سوئد از طریق مالیات تأمین مالی می‌شوند (سازمان بین‌المللی کار، ۱۳۹۴، ص ۱۳۴).

در ایران هزینه‌های درمان و مراقبت از معلولان شامل کسور مالیات بر درآمدهای خود یا شخصی است که تکفل او را بر عهده دارد^۱ و درآمد افراد معلول یا سرپرست معلول صرفاً به دلیل معلولیت، از معافیت یا کسور مالیاتی برخوردار نیست.

۱. تبصره ۳ ماده ۵۷- قانون مالیات‌های مستقیم: مؤدیان موضوع این فصل در صورتی که فرزند معلول یا عقب‌مانده‌ای که قادر به کار نباشد، در تکفل خود داشته باشند. علاوه بر سایر معافیت‌های مذکور در این فصل که حسب مورد از آن استفاده خواهند نمود، ماهانه تا ده هزار ریال از درآمد مشمول مالیات اجاره املاک آنها به ازای هریک از پرداخت مالیات معاف می‌شود.

۲. ماده ۱۳۷- قانون مالیات‌های مستقیم: هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه خود و یا همسر، اولاد، پدر، مادر، برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال مالیاتی ... از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد. در مورد معلولان و بیماران خاص و صعب‌العلاج، علاوه بر هزینه‌های مذکور هزینه مراقبت و توان بخشی آنان نیز قابل کسر از درآمد مشمول مالیات معلول یا بیمار یا شخصی که تکفل او را عهده‌دار است، می‌باشد.

مقرراتی نیز وجود دارد که می‌تواند به صورت غیرمستقیم تأمین‌کننده حمایت از خانواده معلولان باشد. در نظر گرفتن هزینه‌هایی که از سوی مؤدیان مالیاتی در راستای تأمین مسکن معلولان می‌شود، به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی را می‌توان در همین راستا تفسیر کرد. به موجب ماده ۱۴ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶)، مؤدیان مالیاتی می‌توانند از طریق سازمان بهزیستی کشور و با نظارت آن جهت احداث مراکز توان‌بخشی، درمانی و حرفه‌آموزی و مسکن مورد نیاز افراد معلول اقدام نمایند. گواهی هزینه مؤدیان مالیاتی در موارد فوق که به تأیید سازمان بهزیستی کشور رسیده باشد، به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی آنان تلقی می‌گردد.

در خصوص سالمندان در خانواده، مانند پدر، مادر، پدربزرگ و مادربزرگ نیز معافیت‌هایی پیش‌بینی شده است. در برخی از کشورها خانواده‌هایی که خانه‌هایی را برای بستگان مانند والدین یا پدربزرگ و مادربزرگ خود فراهم می‌کنند یا از بستگانی پشتیبانی می‌کنند که لزوماً با آنها زندگی نمی‌کنند، با شرایطی می‌توانند یک معافیت مالیاتی وابسته برای یک فرد واجد شرایط درخواست کنند. در هلند مزایای مالیاتی بازنشستگی والدین به مؤدیانی که والدین بازنشسته خود را پذیرفته‌اند، تعلق می‌گیرد. والدین تنها نیز حق بهره‌مندی از این امتیاز را دارند. پرتغال اجازه تعدادی از کسور که بر اساس وضعیت زندگی زناشویی متفاوت است و شامل پرداخت بیمه و هزینه مراقبت طولانی‌مدت برای والدین سال‌خورده می‌شود را می‌دهد (Bradshaw, 2002, pp.110-112). در ایران با خلأ قانونی در این خصوص روبه‌رو هستیم.

۲-۳-۶. مالیات و حمایت‌های دیگر

افزون بر حمایت‌های مالیاتی یادشده، روش‌های دیگری نیز وجود دارد که قانون‌گذار در ضمن تدوین قوانین مالیاتی می‌تواند در کنار هدف درآمدزایی، حمایت از خانواده را از آن روش‌ها در نظر داشته باشد؛ از جمله: الف) تعیین سالانه هزینه‌های زندگی و معافیت مالیاتی درآمدهای پایین‌تر از آن سقف؛ چنان‌که قانون‌گذار ایران در ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم، این امر را مدنظر قرار داده است: «تا میزان شصت برابر حداقل حقوق مبنای جدول حقوق موضوع ماده یک قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت - (مصوب ۱۳۷۰) درآمد سالانه مشمول مالیات حقوق کلیه حقوق‌بگیران از جمله کارگران مشمول قانون کار، از یک یا چند منبع، از پرداخت مالیات معاف می‌شود».

متأسفانه این معافیت بر مبنای سقفی که قانون گذار در قانون بودجه - بدون توجه به وضعیت هر خانواده، اعم از درآمد و شمار افراد تحت تکفل آنان - وضع می کند، تعیین می گردد و لازم است به صورت جزئی تر بر مبنای تعداد اعضای خانواده و درآمد آنان تعیین شود. هر چند قانون پیش از اصلاحات سال ۱۳۷۵، یعنی مصوب سال ۱۳۶۶ به صورت کلی میزان معافیت درآمد افرادی که اشخاص تحت تکفل دارند را بیشتر از دیگران قرار داده بود که این مورد نیز با اصلاحات مذکور حذف شد. یکی از مسائلی که در قانون مالیات های مستقیم به آن توجه نشده، مالیات بر درآمد خانوار به جای مالیات بر درآمد افراد است. لازم است در جهت تحکیم خانواده، به آن شخصیت حقوقی مستقل داده شود و به جای توجه به تک تک اعضای خانواده، به کلیت خانواده توجه شود و در آن، درآمد خانوارها ملاک برای تعیین میزان مالیات بر درآمد شود و درآمد خانوارها نیز بر تعداد افراد خانواده تقسیم و مالیات آن محاسبه شود. چه بسا ممکن است خانواده که سرپرست آن به تنهایی درآمد داشته و درآمد آن نیز بالا بوده؛ ولی متقابلاً هزینه های آن نیز بالا باشد، در مقایسه با خانواده هایی که درآمد پایین تر و هزینه کمتری نیز دارند، مالیات بیشتری پردازد که با مفهوم عدالت مالیاتی در تعارض است. اعطای مشوق های مالیاتی در راستای فرزندآوری نیز باید بر همین مبنای در نظر گرفتن خانواده به جای فرد باشد؛ چنان که به موجب بند ۱۳-۱۶ ماده ۳ مصوبه راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش میزان باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه های اسلامی و اقتضانات راهبردی کشور، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، بر اعطای مشوق های مالیاتی به خانواده، متناسب با تغییرات در بعد خانوار از طریق تغییر در واحد مالیاتی از فرد به خانواده تأکید شده است. گرچه مصوبه مزبور متأسفانه هیچ گاه به مرحله اجرا نرسید.

از موارد حمایتی دیگر، معافیت مالیاتی جهیزیه و مهریه زن اعم از منقول و غیرمنقول در ماده ۱۴۴ قانون مالیات های مستقیم است که به موجب آن «جهیزیه منقول و مهریه - اعم از منقول و غیرمنقول - معاف از مالیات است». حمایت از زن در خانواده به عنوان یکی از ارکان اصلی هر خانواده، ضمن ایجاد اطمینان خاطر زن، در حفظ جایگاه وی در خانواده نیز مؤثر است.

از دیگر موضوعات حمایتی از خانواده قابلیت توقیف نداشتن وسایل ضروری خانواده، درآمد آنان تا سقف معین و ابزار کار و محل سکونت بدهکار مالیاتی توسط سازمان امور

مالیاتی است؛ چراکه این موارد جزو حداقل‌ها و لوازم ضروری زندگی فرد و خانواده‌وی قلمداد می‌شود. لذا ماده ۲۱۲ قانون مالیات‌های مستقیم مقرر می‌دارد: «توقیف اموال زیر ممنوع است: ۱. دوسوم حقوق حقوق‌بگیران و سه‌چهارم حقوق بازنشستگی؛ ۲. لباس و اشیا و لوازمی که برای رفع حوایج ضروری مؤدی و افراد تحت تکفل او لازم است و همچنین آذوقه موجود در نفقه اشخاص واجب‌النفقه؛ ۳. ابزارآلات کشاورزی و صنعتی و وسایل کسب‌وکار برای تأمین حداقل معیشت مؤدی لازم است و ۴. محل سکونت به قدر متعارف». همچنین تبصره ۲ همان ماده، حق مالکیت مستقل هر یک از زوجین را به رسمیت شناخته و در باب توقیف اموال بابت بدهی مالیاتی مقرر می‌دارد: «هرگاه مؤدی یکی از زوجین باشد که در یک خانه زندگی می‌نمایند، از اثاث‌الیه، آنچه عادتاً مورد استفاده زنان است، متعلق به زن و بقیه متعلق به شوهر شناخته می‌شود؛ مگر آنکه خلاف ترتیب فوق معلوم شود».

یکی دیگر از راهکارهای حمایت از خانواده، حمایت از اعضای دیگر خانواده در صورتی است که یکی از اعضا فوت کرده و از وی حقوقی به جا مانده است و قانون‌گذار در ماده ۲۴ قانون مالیات‌های مستقیم، وجوه بازنشستگی و وظیفه و پس‌انداز خدمت و مزایای پایان خدمت مطالبات مربوط به خسارت اخراج، بازخرید خدمت و... بیمه‌های اجتماعی را از شمول مالیات بر ارث معاف دانسته است.^۱ همچنین برابر بنده ۴ همان ماده در جهت حفظ کیان خانواده، اثاث‌الیه محل سکونت متوفی را نیز از این قلمرو مستثنا کرده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت خانواده در اسلام و نیز با توجه به اصل دهم قانون اساسی، سیاست‌ها و برنامه‌ها و قوانین موضوعه‌ای که وضع می‌شوند، باید ابعاد متعدد فرهنگی، اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، شغل و مسکن خانواده‌ها را مدنظر قرار دهند و خانواده محور نظام

۱. ماده ۲۴- اموال زیر از شمول مالیات این فصل خارج است:

وجوه بازنشستگی و وظیفه و پس‌انداز خدمت و مزایای پایان خدمت، مطالبات مربوط به خسارت اخراج، بازخرید خدمت و مرخصی استحقاقی استفاده‌نشده و بیمه‌های اجتماعی و نیز وجوه پرداختی توسط مؤسسات بیمه یا بیمه‌گذار و یا کارفرما از قبیل بیمه عمر، خسارت فوت و همچنین دیه و مانند آنها حسب مورد که یکجا و یا به‌طور مستمر به ورثه متوفی پرداخت می‌گردد....

تقنینی کشور شود. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین این ابعاد، نگرش به قواعد و قوانین مالی و اقتصادی است و سیاست‌های مالی نیز باید در راستای حمایت از خانواده تنظیم و تصویب شود؛ همچنان که در کشورهای دیگر نیز چنین رویکردهایی را مشاهده می‌کنیم. در میان این مجموعه سیاست‌های مالی، یکی از تدابیر مدنظر، سیاست‌های مالیاتی است که می‌تواند در قالب‌هایی چون اعتبارات مالیاتی، معافیت‌های مالیاتی و کسورات مالیاتی به تشکیل و تحکیم خانواده کمک کند.

بررسی قوانین و مقررات مالیاتی در کشورهای پیشرو در این زمینه نشان می‌دهد قانون‌گذاران این کشورها در وضع قوانین مالیاتی، توجه خاصی به خانواده کرده‌اند؛ از جمله اختصاص اعتبارات مالیاتی برای کودکان در مسئله آموزش و نگهداری آنان، معافیت مالیاتی از جمله در باب کمک‌هزینه‌ها، معافیت هزینه‌های آموزشی، اعطای کمک‌هزینه‌های فرزندان از راه درآمدهای مالیاتی، حق اولاد، کسور مالیاتی و مانند آن شده است. در ایران هرچند شاهد توجه ویژه به خانواده در اسناد بالادستی و مصوبات نهادهای عالی مانند قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، سند چشم‌انداز، سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور در مورد خانواده هستیم؛ ولی در باب حمایت مالی و از جمله در پیش گرفتن سیاست‌های مالیاتی - همانند کشورهای دیگر - آن‌چنان که باید و شاید به موضوع خانواده توجه نشده است. هرچند راهکارهای فراوانی در راستای حمایت از خانواده اتخاذ شده است؛ از جمله معافیت مالیاتی در آمد افراد کم‌درآمد و اقشار آسیب‌پذیر، توجه به امور آموزشی، فرهنگی، بهداشتی، شغل و مسکن و... افراد به‌ویژه در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته؛ اما این میزان از توجه برای رسیدن به اهداف مقرر در دیگر اسناد مرتبط به خانواده محوری کافی نیست و لازم است قانون‌گذار توجه بیشتری به امر خانواده نشان دهد.

در راستای ایفای بهینه نقش قوانین مالیاتی در زندگی خانوادگی در ایران پیشنهاد می‌شود:

۱. قلمرو اصلی دخالت مالیاتی افزایش یابد و در راستای تشکیل و تحکیم نهاد خانواده، نظام مالیاتی دخالت‌های غیرمستقیم خود را گسترش دهد. افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق وضع مالیات‌های تصاعدی بر محصولات مضر و زیان‌بخش، استخراج منابع معدنی و طبیعی، املاک و اشیای گران‌قیمت و مانند آن و تخصیص درآمد حاصله از این محل به

اجرای طرح‌های خانواده‌محور همچون تأمین کمک‌هزینه‌ی اولاد و ارائه‌ی خدمات بهداشتی برای مراقبت از سالمندان در خانه و تأمین مسکن خانوار می‌تواند تحقق‌بخش اهداف باشد.

۲. مفهوم عدالت مالیاتی از اینکه «هر فرد به تناسب توان مالی خود باید مالیات پرداخت کند» به مفهوم «هر کس به تناسب توان مالی خانواده‌ی خود باید مالیات پرداخت کند» تغییر یابد و به جای توجه به درآمد و دارایی افراد، به درآمد و دارایی خانواده توجه شود. بر این اساس ضروری است، قانون‌گذار مالیاتی به خانواده، شخصیت حقوقی مستقل بدهد و به جای توجه به تک‌تک اعضای خانواده، به کلیت آن توجه شود و درآمد خانوارها ملاک برای تعیین میزان مالیات بر درآمد و دارایی مورد توجه باشد یا حداقل در حالت اولی، درآمد و هزینه‌های خانوار ملاک قرار گیرد؛ مگر در موارد خاصی که امکان این سیاست وجود نداشته باشد. در این حالت، درآمد خانواده نیز بر شمار افراد خانواده تقسیم و سپس مالیات آن محاسبه شود؛ چراکه خانواده‌های پرجمعیتی که سرپرست آن به تنهایی منبع درآمد آن است و درآمد بالایی دارند، در مقایسه با خانواده‌ای با همان میزان درآمد که تعداد آنان کمتر است، هزینه‌های بیشتری دارند.

۳. تعیین و تخصیص اعتبارات مالیاتی در حوزه‌های گوناگون به خانواده صورت گیرد. لازم به ذکر است که اعطای اعتبارات مالیاتی می‌تواند رسیدن به اهداف مطلوب را بیش از معافیت‌ها یا کسور مالیاتی محقق کند؛ چراکه اعتبار مالیاتی به‌طور مستقیم مالیات فرد را کاهش می‌دهد و نیز مزیت اعتبارات مالیاتی نسبت به معافیت‌های مالیاتی در این است که این اعتبارات قابل برنامه‌ریزی‌اند و میزان هزینه‌ی ازدست‌رفته طی آن برای دولت مشخص است.

۴. گسترش معافیت‌ها به خانواده‌های دارای فرزند در وضع مقررات آتی مالیاتی مورد توجه باشد. برقراری معافیت‌ها به‌ویژه در بخش آموزش که با نبود هرگونه قاعده‌ی حقوقی لازم‌الاجرا که معطوف به آموزش فرزندان در خانواده باشد، روبه‌روست، مورد تأکید است. نیز در حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر خانوادگی مانند سالمندان و معلولان، اگر درآمد مشمول مالیات آنان یا سرپرست آنها جدا از هزینه‌های درمانی، از معافیت مالیاتی برخوردار شود یا سقف معافیت مالیاتی در مورد این افراد افزایش یابد، می‌تواند در کاهش نابرابری درآمد در خانواده‌ها مؤثر باشد.

۵. در برخی حوزه‌ها همچون مسکن، تغییر مبنای معافیت باید از معیارهای فیزیکی

همچون مترژ بنا به معیارهای ارزشی مانند تعداد فرزندان و نوع خانواده ساکن (هسته‌ای یا گسترده) صورت گیرد تا عدالت مالیاتی محقق شود.

۶. در حوزه‌هایی همچون کمک‌هزینه‌های پرداختی به افراد همچون عائله‌مندی و اولاد به عنوان بخشی از حقوق، ایجاد رویه واحد در بخش‌های گوناگون حقوق‌بگیری (اعم از کارمندی و کارگری) ضروری است. چنانچه کمک‌هزینه اولاد و عائله‌مندی را امتیاز بدانیم، درج آنها در شمول درآمد مشمول مالیات، هدف از پرداخت آنها را بی‌اثر می‌کند. لازم است قانون‌گذار معافیت موجود در خصوص کارکنان دولت را به کارکنان مشمول قانون کار نیز تسری دهد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. دادگر، یدالله؛ *مالیه عمومی و اقتصاد دولت*؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۳.
۲. دفتر تحقیقات و سیاست‌های مالی؛ *مالیات بر خانه‌های خالی و برآورد ظرفیت درآمدی آن*؛ تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی، ۱۳۹۶.
۳. رستمی، ولی؛ *مالیه عمومی*؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۴. عباسی و همکاران؛ «مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در نظام حقوقی ایران»؛ فصلنامه حقوق پزشکی، س ۸، ش ۳۰، ۱۳۹۲، ص ۱۸۳-۱۹۹.
۵. فکوهی، ناصر؛ *انسان‌شناسی شهری*؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
۶. قلی‌زاده، علی‌اکبر و نعمت‌الله امیری؛ «نگاهی به نظام مالیاتی بخش مسکن در جهان و چارچوبی برای اصلاح ساختار مالیات‌ها در بخش مسکن ایران»؛ *مجله اقتصادی*، ش ۱۱ و ۱۲، ۱۳۹۲، ص ۹۱-۱۱۰.
۷. کیویستو، پیترو و توماس فایست؛ *شهروندی* (گفتمان، تئوری و دیدگاه‌های فراملی)؛ ترجمه احمد خسروی؛ تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵.
۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ *بررسی تطبیقی سیاست‌های مالیاتی زمین و مسکن در کشورها و ملاحظات به کارگیری آنها در ایران*؛ شماره مسلسل ۹۱۸۰، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۷.
۹. مهرگان، نادر و محمدرضا اسماعیلی؛ «تحلیلی بر ضرورت معافیت مالیاتی معلولین در ایران»؛ فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال چهارم، ش ۱۵، ۱۳۹۵، ص ۴۷-۵۹.
۱۰. نباتی، نگار؛ *حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر*؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.
۱۱. نوری طبرسی، میرزا حسین؛ *مستدرک الوسایل*؛ ج ۱۴، قم: آل‌البت علیه السلام لایحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۱۲. سازمان بین‌المللی کار؛ *حمایت اجتماعی، بازیابی اقتصادی، توسعه فراگیر و عدالت اجتماعی*؛ ترجمه حسام نیکوپور دیلمی و مجید حسن‌زاده اصفهانی؛ تهران: شلاک، ۱۳۹۴.
۱۳. هدایت‌نیا، فرج‌الله؛ «خانواده‌محوری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»؛ فصلنامه تخصصی دین و قانون، ش ۱۰، ۱۳۹۴، ص ۱۱-۳۸.

14. Bhawan, Mayur; "Taxation of Salaried Employees, Pensioners and Senior Citizens"; INCOME TAX DEPARTMENT Directorate of Income Tax (PR, PP & OL) 6th Floor, Connaught Circus New Delhi-110001, 2013.
15. Bovenberg, L. and Cnossen, S.; "Fundamental Tax Reform in The Netherlands"; International Tax and Public Finance, 7, 2001.
16. Bradshaw, J. and Finch, N.; orcid.org/0000-0001-5753-1783, "A Comparison of Child Benefit Packages in 22 Countries"; Research Report. Department for Work and Pensions Research Report, No. 174 . Corporate Document Services, 2002.
17. center on budget and policy priorities, Policy Basics: Tax Exemptions, Deductions, and Credits, 2018. available at: <https://www.cbpp.org/sites/default/files/atoms/files/policybasics-exempt.pdf>.
18. Department of Social Services and the Department of Agriculture; "A guide to Australian Government payments"; 2015. available in: http://melbourneinstitute.unimelb.edu.au/data/assets/pdf_file/0008/2378699/co029-1503.pdf.
19. Department of the Treasury Internal Revenue Service; "Child Tax Credit"; available in: <https://www.irs.gov/pub/irs-pdf/p972.pdf>.
20. Department of the Treasury, Office of Tax Analysis; "Tax Expenditures for Education"; 2016. <<https://www.treasury.gov/resource-center/tax-policy/tax-analysis/Documents/WP-113.pdf>.
21. Department of the Treasury, Office of Tax Analysis; "The Income Tax Treatment of Married Couples"; 2016 <<https://www.treasury.gov/resource-center/tax-policy/taxanalysis/Documents/Two-Earner-Penalty-and-Marginal-Tax-Rates.pdf>.
22. Family Research Council; "Family-Friendly Tax Policy: Practical Ideas for Helping Parents"; available at: <https://www.frc.org/taxes, 2017>.
23. Fookes, C.; "spending through the tax system: Tax expenditures"; New Zealand Treasury, Policy Perspectives Paper 09/01, 2009.
24. Friedline, Terri; "The Independent Effects of Savings Accounts in Children's Names on Their Savings Outcomes in Young Adulthood"; Journal of Financial Counseling and Planning Volume 25, Issue 1, 2014.
25. HMRC Digital Services, A; "guide to Child Tax Credit and Working Tax Credit"; April 2017, p.5, available in: https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/608627/WTC2, Child Tax Credit and Working Tax Credit guide.pdf.
26. http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/1017057.
27. Kammerman, Sheila B.; "Parental leave policies: an essential ingredient in early childhood education and care policies"; *Social Policy Report*, Volume 14,

- No.2, Society for Research in Child Development, 2000.
28. Keightley, Mark P.; "An Introduction to the Low-Income Housing Tax Credit"; Congressional Research Service 7-5700, 2017.
29. Looker, E. Dianne and Lowe, Graham S.; "Post-Secondary Access and Student Financial Aid in Canada: Current Knowledge and Research Gaps"; Submitted to the Canadian Policy Research Networks as a background paper for a CPRN Workshop, Ottawa, 2001.
30. Lowry, Sean; *Tax Deductions for Individuals: A Summary*, Congressional Research Service, 2017.
31. Maag, Elaine; "simplicity: considerations in designing a unified child credit"; National Tax Journal, 63 (4, Part 1), 2010.
32. McGuffey David L, CELA, Larry E. Winter, CPA and Matt Hayes; "Deducting Medical Expenses"; Elder Law Practice of David L. McGuffey, LLC, 2012.
33. MD Management Ltd, Tax Tips for the Physician and Physician in Training ,2016: available at: <https://www.cma.ca/Assets/assets-library/document/en/practice-management-and-wellness/tax-tips-2017.pdf>.
34. Milligan, K. and M. Stabile; *Do Child Tax Benefits Affect the Wellbeing of Children? Evidence from Canadian Child Benefit Expansions*; Vancouver: University of British Columbia and Toronto: University of Toronto, 2009.
35. O'Donoghue, Cathal and Holly Sutherland; "Accounting for the Family: The Treatment of Marriage and Children in European Income Tax Systems"; Innocenti Occasional Papers, Economic and Social Policy Series, no. 65. Florence: UNICEF International Child Development Centre, 1998.
36. O'Donoghue, Jane; "An Examination of Taxation Arrangements for Couples with Children: Evaluating the Options of Income Splitting"; *Social Security Review Discussion Papers*, No. 23. Canberra: Department of Social Security, 1988.
37. Pelletier, Geneviève & Pépin, Mario; "Comparative Analysis of Benefits for Parents of Disabled Children in Canada and Other Industrialized Countries"; Legal deposit 2nd quarter 2016 Bibliothèque et Archives nationales du Québec, 2016.
38. Piper, Mike; *Taxes Made Simple: Income Taxes Explained in 100 Pages or Less*. Simple Subjects, LLC, 2014.
39. Pope, Thomas & Waters, Tom; "A Survey of the UK Tax System"; Institute for Fiscal Studies, IFS Briefing Note BN09, 2016.
40. the united nation expert group meeting on policy responses to low fertility; *The influence of family policies on fertility in France*; Policy Brief No. 7, new York, 2015.
41. Tokoro, M.; *Family Policy in Japan and the UK*; University of New York, DPhil thesis, 2000.